

فقه احزاب یا مشاوره فقها؟

احزاب فقهی یا فقه احزاب؟ رابطه حزب و فقه در ساختار مردم‌سالار امکان‌پذیر چگونه تعریف می‌شود؟ آیت‌الله محسن اراکی اخیراً در کنگره حزب مؤتلفه گفته است: «شاید لازم باشد در حوزه‌ها فقه تشکیلات و احزاب محقق شود. قبل از اینکه احزاب به وجود آیند باید فقه احزاب شکل بگیرد و پایه تمام اینها فقه الهی است. باید از حوزه‌ها خواسته شود که به چنین مسئله‌ای بپردازند».

به گزارش سایت خبری پرسون، زمانی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی آیت‌الله راستی‌کاشانی را به‌عنوان نماینده امام درون خود پذیرفته بود تا تصمیماتش شائبه‌های غیرشرعی نداشته باشد که البته این تجربه در نهایت به اختلاف و انحلال این حزب در دهه ۶۰ انجامید. شاید شبیه‌ترین حزب سیاسی ایران به مدلی که آیت‌الله اراکی مدنظرش است، در حال حاضر جبهه پایداری باشد؛ جریانی که در حزب‌خواندن خودش البته دچار نوعی دوگانگی و سردرگمی است؛ از یک سو درخواست ثبت به‌عنوان حزب به وزارت کشور می‌دهد و از سوی دیگر می‌گوید مدل تحزب‌ورزی‌اش متفاوت است و به پدر معنوی‌اش آیت‌الله مصباح‌یزدی اقتدا می‌کند که چندان با حزب میانه‌ای نداشت و حتی آرای او علیه آن بود.

شاید از همین‌رو است که جبهه پایداری چیزی به نام شورای فقها درست کرده بود که مصوباتش را به تأیید آن برساند. آیت‌الله مصباح‌یزدی و آیت‌الله خوشوقت، دو عضو این شورا بودند که البته هر دو به رحمت خدا رفته‌اند. صادق محصولی، دبیرکل حزب جبهه پایداری، بعد از فوت آیت‌الله مصباح گفته بود شورای مرکزی با مشورت دو فقیه دیگر درصدد جایگزین ایشان است؛ همچنان که پس از رحلت حضرت آیت‌الله خوشوقت رضوان‌الله تعالی‌علیه که یکی از اولین فقهای جبهه پایداری بودند، فقیه ربانی و انقلابی دیگری جایگزین ایشان شد. البته تا این لحظه خبری از چهره‌های جایگزین نیست یا اگر بوده، جبهه پایداری تمایلی به رسانه‌ای‌کردنش نداشته است. در این صورت، حتی بحث تعیین تکلیف مصوبات این حزب پیش می‌آید که آیا جبهه پایداری هم به سمت عرفی‌شدن رفته و مصوباتش را بدون تأیید شورای فقها به سرانجام و مرحله عمل می‌رساند؟

داوود فیرحی که در پروژه فکری خود سعی داشت به مدلی از همسویی و همزیستی دین، فقه و حکمرانی مدرن مبتنی بر دموکراسی برسد، در کتابی درباره رابطه فقه و احزاب نوشته است: «قالب بحث&rlm؛های فقه از قدیم روی یک دوگانه ایستاده است و درمورد هر مطلب یا مسئله‌ای دستگاه&rlm؛های فقه دو گونه تحلیل دارند. اینکه موضوع چیست؟ و در آن به‌عنوان مثال از ماهیت حزب سؤال می&rlm؛کنند. دوم اینکه حکم آن از احکام خمسۀ شرعی چیست؟ و در کدام‌یک از حوزه مباحات، واجبات یا حرمت قرار می&rlm؛گیرد؟ شناخت موضوع و شناخت حکم، مسئله دوگانه&rlm؛ای است که همیشه در دستگاه‌های فقه وجود دارد. معمولاً در قسمت اول و موضوع&rlm؛شناسی، تحلیل‌ها به سمت عرف می&rlm؛رود و اینکه دیگران حزب را چگونه تعریف کرده&rlm؛اند و توضیح داده‌اند».

او در سخنرانی دیگری به تاریخ دی‌ماه ۹۸ گفته است: «حکمرانی حزبی یک حکمرانی مطلوب نیست، بلکه حکمرانی بهترین بد و دفع افسد به فاسد است؛ چراکه بدیل‌های آن حکمرانی‌های بدتری هستند. یک بدیل حکمرانی حزبی، حکومت شخصی است که خیلی سریع به حکمرانی یک باند پنهان فاسد تغییر می‌کند. این نوع حکمرانی سرانجام سر از یک فساد اقتصادی درمی‌آورد و به سیاست نیز سرایت می‌کند. حکمرانی پوپولیستی نوع دیگری است که در آن هدایت بر عهده یک فرد مردم‌گراست. تجربه سیاسی نشان داده که از چنین حکمرانی‌ای هیتلر و مائو درمی‌آید و در نتیجه چنین حکمرانی‌ای جامعه فرومی‌پاشد».

مدل سوم حکمرانی، حکمرانی موجی است که عده‌ای بدون شناسنامه حزبی و سیاسی خاصی و به صورت اتوبوسی روی کار می‌آیند. به‌طور کل حکمرانی را به دو دسته حکمرانی باندی و حزبی می‌توان تقسیم کرد که سه مدل ذکرشده را می‌توان در دسته حکمرانی‌های باندی قرار داد؛ چراکه به مرور باندهای مخرب و خطرناک در آنها شکل می‌گیرد. بنابراین حکمرانی حزبی با همه عیوب بهترین ممکن است و ما نباید اصل آن را به‌خاطر عیوب کنار بگذاریم، بلکه باید عیوب را اصلاح کنیم. نکته مهم اینجاست که حکومت حزبی اصلاح نمی‌شود، مگر اینکه حزب وارد حکومت شود. نمی‌توان حزب را پشت درهای حکومت قرار داد و اصلاح آن را خواستار شد».

بحث از فقه احزاب به صورت یک حکم شرعی بیشتر در دیدگاه جناح راست طرفدار دارد. با غلامحسین کرباسچی که ضمن تجربه دبیرکلی یک حزب سیاسی، تجربه تحصیلات حوزوی را نیز در سوابق خود دارد، تماس گرفتیم تا نظراتش را جویا شویم؛ اما او نسبت به این موضوع نظر خاصی نداشت و گفت چندان مسئله بااهمیتی برای پرداختن نیست و صرفاً یک صحبت منبری بوده است. در ادامه با آیت‌الله سیدحسین موسوی‌تبریزی، دادستان انقلاب در سال ۶۰ و رئیس سابق خانه احزاب، گفت‌وگو کردیم.

موسوی‌تبریزی گفت: «باید توضیح دهند فقه احزاب مشخصاً و با جزئیات چیست. اگر وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ منظور است که در اسلام مشخصاً به این مسائل اشاره شده است. بزرگ‌ترین مسئله فقه احزاب این است که آدم با افکاری که می‌شناسد، با آن در رابطه با مسائل مادی، معنوی و انسانی و مشکلات همراهی کند و در احزاب فارغ از افراد متدین و وارسته و باسواد کنار هم بنشینند و در عین حال مشاوره بگیرند. پیامبر هم برای مسئله مشاوره درخصوص مسائل مردم خیلی اهمیت قائل بودند».

لازم نیست اعضای احزاب فقیه باشند، باید سیاست را بفهمند. البته نباید خودبین باشند و خود را ببینند، باید به فکر مردم و مسائل اسلامی، اعتقادی و عدالت باشند. باید منافع مردم را رعایت کرد و بر اساس آن حرکت کرد و افرادی هم که می‌خواهند انتخاب شوند، بر اساس آن انتخاب کنند و نظرات

خود را نیز به عنوان مشورت به دولت و مجلس ارائه دهند. در زندگی مردم، مسئله مشاوره بسیار اهمیت دارد. در قرآن و فقه نیز مشخصاً این مسائل آمده است».

در ادامه موسوی تبریزی درباره نقش فقه احزاب در اسلام افزود: در عدله اسلامی نیز این مسائل را داریم. فقه مخصوص این مسئله این است که همه مسلمانان در راستای حل مشکلات مسلمین حرکت، همکاری و مشورت کنند. باید با مشورت همدیگر و دانشمندان و متحققان که در امور خاص وارد هستند، مشورت شود. این مسئله مسلم است. احتمالاً ایشان چنین مسائلی را قبلاً ندیده و قبلاً بارها این مسائل گفته شده است. مرحوم آیت الله العظمی منتظری نیز چنین مسائلی را در درس خارج فقه گفته‌اند. افرادی که در احزاب جمع می‌شوند، باید باسواد باشند؛ اما اگر بی‌سواد وارد احزاب شوند، ممکن است خیری نداشته باشند. اگر ایمان کامل داشته باشند، ممکن است کمک‌کننده باشد».

در پایان موسوی تبریزی درباره وضعیت کنونی احزاب تصریح کرد: «من رئیس خانه احزاب هم بودم و با تمامی احزاب دوست بودیم و در حزب جمهوری اسلامی هم بودیم. احزاب در کشور لازم‌اند، ولی گاهی مسائل شخصی باعث می‌شد گروه‌های سیاسی کند شوند و به سمت منافع شخصی بروند. بهتر از حزب جمهوری اسلامی از اول انقلاب تاکنون نداشته‌ایم که رأس آن نیز شخصیت‌هایی برجسته از جمله آیت الله بهشتی و آیت الله خامنه‌ای و دیگران بودند؛ اما این حزب هم چند سال بعد به سه گروه تقسیم شد؛ از طیف مؤتلفه تا میرحسین موسوی که متهم به چپ‌گرایی بود و یک عده هم تحصیل‌کرده‌های خارج بودند و گروه سوم شدند و باعث شد درگیری‌ها درون حزب شروع شود و امام(ره) به مرحوم هاشمی دستور تعطیلی دادند از بس که اختلاف ایجاد کردند».

اگر بخواهیم بگوییم از هیچی بهتر است، بله! اما نمی‌گذارند درست کار شود و جلوی آنها را می‌گیرند و وضعیت قانع‌کننده نیست و من معتقدم دلیلش این است که مسائل را شخصی می‌کنند. کسی که وارد حزب می‌شود، باید به حزب و جمع احترام بگذارد و نظرات و علایق شخصی را کنار بگذارد. اگر این‌طور باشد، مشکلات پیش نمی‌آید و احزاب منفعت نیز دارند».

منبع: شرق